



همبستگی هفتگی

۳

۲۵ خرداد ۱۳۸۰

۱۵ ژوئن ۲۰۰۱

www.hambastegi.org

نشریه هفتگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

شکست مفتضحانه مضحکه انتخابات جمهوری اسلامی در خارج

مضحکه انتخاباتی جمهوری اسلامی با شکست مواجه شد. علیرغم هیاهوهای تبلیغاتی جمهوری اسلامی و پرو خاتمیون خارج کشور برای نشان دادن افزایش عددی شرکت کنندگان در این مضحکه، جمهوری اسلامی از چند میلیون ایرانی خارج کشور تو دهنی محکمی خورد. بیش از ۹۹ درصد ایرانیان خارج کشور در این مضحکه شرکت نکرده و اعتراض خود را نسبت به این رژیم سرکوب و اعدام بنمایش گذاشتند. عدم شرکت و اعتراض ایرانیان در خارج کشور نشان دهنده نفرت و انزجار سیل عظیم و میلیونی پناهندگان و مهاجرین ایرانی از حکومت سیاه اسلامی است.

گسترش مبارزات رو به رشد مردم در داخل و خارج شروع میشود. در این فاز جدید مبارزاتی، پناهندگان و مهاجرین ایرانی میتوانند گردان عظیم مبارزه علیه نظام اسلامی باشند. بسیج هزاران نفری پناهندگان و گسترش مداوم مبارزات پناهندگان ایرانی در خارج میتواند گامهایی باشد تا پرده های اختناق و بی حقوقی را از چهره نظام اسلامی و دول ضد پناهنده غربی بدر و مبشر اعلام ایران بعنوان کشور ناامن شود. این وظیفه ما، خیل عظیم انسانهای گریخته از مصیبت و مشقات جمهوری اسلامی است که تراژدی سیاسی اجتماعی جمهوری اسلامی را برای افکار عمومی جهان عیان کرده.

همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی کلیه پناهندگان و مهاجرین ایرانی و مردم آزادیخواه را به گسترش و تشدید مبارزه علیه جمهوری اسلامی و برای ایجاد یک جامعه آزاد و برابر فرا میخواند.

دبیرخانه همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

این شکستی دیگر برای جمهوری اسلامی و همپالکی های رسوای خارج کشوری شان بود. ۱۸ خرداد نمایش پر قدرت این واقعیت بود که جمهوری اسلامی هیچ جایگاهی در بین ایرانیان خارج کشور ندارد و با صف میلیونی از سرنگونی طلبان مواجه است.

نمایش انتخاباتی جمهوری اسلامی پایان یافت و دور تازه ای از

همبستگی هفتگی

جمعه ها منتشر میشود

سردبیر: مهرانوش موسوی
دستیار سردبیر: امیر توکلی

تلفن: 00 49 1757 402 582
دکس: 00 358 631 542 53

mehrnousch@aol.com
tavakoli@hotmail.com

صدای همبستگی

شنبه ها در

رادیو انترناسیونال

۲۵ متر

۱۱۶۳۵ و ۱۱۹۰۵ کیلوهرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب

به

فدراسیون سراسری

پناهندگان

کمک مالی

کنید

همبستگی هفتگی

را تکثیر و پخش

کنید

خاطرات یک دستگیر شده و زندانی در هجوم ۳۰ خرداد سال ۶۰!

صفحه ۴

کیوان جاوید از کادرهای دبیرخانه مرکزی فدراسیون و سردبیر نشریه همبستگی را از نزدیک بشناسید!

صفحه ۲

فدراسیون سراسری پناهندگان را بیشتر بشناسید!

چگونه میتوان به عضویت فدراسیون درآمد؟

صفحه ۳

رویدادهای مهم پناهندگی هفته

صفحه ۳

پیامدهای انتخاب خاتمی و پناهندگان!



mehrnousch@aol.com

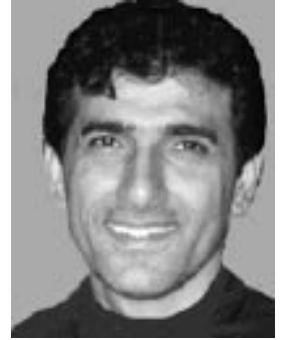
مهرانوش موسوی

خاتمی را ازصندوقهای رای در آوردند. از پیش معلوم بود. خبرگزاریهای بین المللی در بوق و کرنا کردند که چهار سال دیگر خاتمی قرار است برایشان تمرین اصلاح طلبی کند. آنچه نصیب پناهنده و مهاجر در خارج کشور خواهد شد از هم اکنون ردپایش را درمطبوعات این بنگاههای تولید و توزیع ریاکاری و عوامفریبی میتوان دید: خاتمی انتخاب مردم است، ایران امن است، روند اصلاحات به پیش رانده میشود و بنابراین فراریان و گریختگان این جهنم اسلامی دلیلی برای فرار ندارند. این اولین نتیجه این نمایش قلبی این جانپان در خارج کشور خواهد بود. باز هم دسته دسته اخراج جوانان، زنان و مردمی که میدانند و تجربه کردهاند که چهار سال گذشته نه فقط از این امامزاده مدینت، آزادی و رفاه و خوشبختی نصیب کسی

صفحه ۳

مرگ بر جمهوری اسلامی

کیوان جاوید از کادرهای دبیرخانه مرکزی فدراسیون و سردبیر نشریه همبستگی را از نزدیک بشناسید!



کیوان جاوید

hambastegi@ukonline.co.uk

همبستگی: کی از ایران خارج شدی و دلیل فرار تو چه بود؟

کیوان جاوید: من سال ۱۳۷۳ (۹۴ میلادی) از ایران فرار کردم، بعنوان یک پناهنده سیاسی خود را در ترکیه به دفتر سازمان ملل معرفی کردم. دلیل فرارم هم این بود که ماندن در ایران می توانست حتی بقیمت جانم تمام شود. میدانید من از ۱۹ تا سن ۲۴ سالگی در زندانهای جمهوری اسلامی بودم. دوران سختی را از این نظر پشت سر گذاشتم. وقتی حدودا بعد از ۵ سال از زندان آزاد شدم آدمی بودم خیلی معتقد تر به مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی و با تجارب بسیار زیاد تر. در طول دوران زندان هم همیشه بقول معرف از زندانیان سر موضع ای بودم. به این دلیل آزادی برای من یک آزادی موقتی معنی میداد و در اوایل هر هفته و بعدها هر ماه باید در وزرات اطاعات امضا میدادم. یادم هست فردای همان شبی که آزاد شدم رفیقی به دیدن آمد که حالا در کانادا زندگی می کند و چند جزوه از حزب کمونیست کارگری که به آن تعلق داشتم را به من داد. من فعالیتیم از همان موقع شروع شد. ولی موانع بسیار زیاد بود و من با درجه بالایی از ریسک چیزهایی بدست می آوردم، خودم می خواندم و به

دیگران می دادم. برنامه های رادیو را ضبط و تکثیر می کردم و کلی کارهای دیگر. یادم هست تا یک سال بعد از آزادی ام هر روز توسط شخص معینی که نگهبان زندان بود علنا تعقیب می شدم. البته قصدش این بود که به من نشان بدهد ما همه جا دنبال تو هستیم. این داستان زندگی من تا یک ماه پیش از فرارم است. وزارت اطاعات از دستم عصبانی بود ولی هیچ مدرکی دال بر فعالیت سیاسی من نداشت. در عوض همه مردم مرا بعنوان یک فرد مبارز می شناختند و اعتماد زیادی به من داشتند.

به همین دلیل به دستور وزارت اطاعات برای "پاره ای از توضیحات" مرا به جایی برند و ۲۰ روز بازداشت کردند و در آخر هم با قید ضمانت تا تاریخ دادگاه آزادم کردند. داستان این دستگیری را حتما در شرایط دیگری می نویسم. اما بعد از آزادی من سریعا با کمک دوستانم از کشور خارج شدم. خطر دستگیری در راه رسیدن به ترکیه یک بار بالای سرم چرخید ولی به هر حال توانستم از مرز بگذرم.

همبستگی: در ترکیه چطور بود؟

کیوان جاوید: وقتی من به ترکیه رسیدم شب سردی بود و از نظر مالی آه در بساط نداشتم. با ۷۰ دلار از ایران حرکت کرده بودم که آن هم یکی از دوستان خوبم قبل از عزیمت به ترکیه به من داده بود. در ترکیه هم همان دوستم که دوست هم زندانی ام بود سراغم آمد و مرا به خانه ای برد که شبها در آشپزخانه اش آب یخ می بست و ما مجبور

بودیم همه لباسهایمان را پوشیم تا یخ نبنیم.

در ضمن من دوستان سیاسی زیادی در خارج داشتم با کمک آنها قرار شد به رفقای حزب کمونیست کارگری و فدراسیون در ترکیه ملحق شوم، اما دوران حمله پلیس مخفی ترکیه به فعالین فدراسیون و حزب کمونیست کارگری در ترکیه بود و باز بقول معرف بچه ها سراخ موش را تا اطلاع ثانوی کرایه کرده بودند. بعد از ۲۰ روز من به شخصی معرفی شدم و داستان زندگی پناهندگی من تغییر کرد. از همان روز فعال شدم و به تمام معنی حتی فرصت خوابیدن نداشتم. برای سر و سامان دادن کارهای پناهندگی و مبارزه با دولت ترکیه خصوصا در مورد دیپورت و دفاع از کیسهای پناهندگی و پرونده های بسته شده بیست و چهار ساعت را هم کم می آوردم. من دیگر محل خوابم در اتوبوسها بین شهری بود. لازم است یاد آور شوم که من بعد از یک ماه که در ترکیه بودم در انتخابات نمایندگان شوراهای دبیری واحد فدراسیون در ترکیه شرکت کردم و رای آورم و دبیر فدراسیون در ترکیه شدم. یادم هست پیش از هر مذاکره با یوان من باید نیم ساعتی منتظر می ماندم تا فرد مورد نظر آماده شود. من آن نیم ساعت را در اتاق انتظار یوان می خوابیدم. سخت بود ولی خیلی شیرین بود. من داشتم آنطور که دلم می خواست زندگی می کردم و همه باورهای سیاسی ام را پراتیک می کردم.

همبستگی: در مقابل فشارهای پلیس ترکیه وبی تفاوتی یوان چکار می کردید؟

کیوان جاوید: همانطور که گفتم

من موقعیکه به ترکیه رسیدم فدراسیون در ترکیه فعال بود و به یک معنا یکی از پر قدرترین واحدهای فدراسیون هم بود. بچه ها نخود هر آشی بودند. شرکت در جشن اول مه و ۸ مارس، در مورد رویدادها و مسائل سیاسی داخل ترکیه واکنش نشان دادن، نزدیکی با جنبش کارگری و چپ ترکیه و از این رهگذر آشنا کردن آنها با تاریخ جنبش کمونیسم کارگری در ایران و هر چه بوی مبارزه با کثافات جامعه سرمایه داری میداد.

یادم می آید در یکی از جشنهای اول مه اولین سخنران از فدراسیون بود و اعضا فدراسیون و حزب کمونیست کارگری با پرچم خودشان در این جشنها شرکت می کردند. فشار پلیس را همیشه با کمک دوستان ترک خود تا حد ممکن دور می زدیم. کلی امکانات از طریق اتحادیه ها و احزاب چپ در اختیار ما قرار داشت. این هم یادآوری کنم که تا یکی دو سال قبل تر هیچ جریانی در ترکیه با حزب ما و کمونیسم به روایت ما آشنایی نداشت. همه جریانات حداکثر حزب توده را نمایندند چه در ایران می دانستند اما حالا به لطف تلاش جمعی اعضا حزب و فدراسیون اوضاع کاملا تغییر کرده است.

در مورد بی تفاوتی یوان هم اضافه کنم که ما در ترکیه اکثر پناهندگان را متشکل کرده بودیم و حدود ۷۰۰ عضو داشتیم که اگر به آنها می گفتیم پرقدرتترین کمپین اعتراضی را راه بیندازید دریغ نمی کردند. اگر یوان به حرف ما توجه نمی کرد روز بعد در مقابل دفترش در آنکارا تظاهرات راه می افتاد. قدرت ما برای یوان کاملا ملموس

بود ما هر ماه مدارک ۵ پرونده بسته شده را به یوان می بردیم و مثل وکیل مدافع از کیس دفاع می کردیم و امکان نداشت در هر نوبت دست خالی از یوان بیرون بیاییم. فدراسیون آنقدر قدرت داشت که حتی از داواج دو نفر را که سند نداشتند تایید کرد و یوان پذیرفت.

همبستگی: یکبار دیگر بگو کی و چگونه به فدراسیون پیوستی؟

کیوان جاوید: بیست روز بعد از آمدنم به ترکیه یعنی اولین روزی که به فعالینش وصل شدم و خیلی هم ناراحت بودم که چرا مرا این همه معطل کرده اند و زودتر سراغم نیامده اند. چگونگی اش دیگر ساده بود. چند اطلاعی به من دادند و گفتند اینها را با خط خوش و تمیز رونویسی کن. همین کار را هم کردم، شدم فعال فدراسیون و عاقبتش این است که حالا می بینید.

همبستگی: در حال حاضر چه میکنی؟

کیوان جاوید: من هم اکنون عضو دبیرخانه مرکزی فدراسیون هستم، فعالیت من در دبیرخانه هنوز هم دخالتگری موثر در زندگی پناهجویان، مشاوره و رفع مشکلات آنها و همچنین سردبیر نشریه ماهانه همبستگی هستم، در عین حال من کادر حزب کمونیست کارگری و مشاور کمیته مرکزی این حزب هستم و مثل سایر رفقا به فعالیت سیاسی در زمینه های مختلف مشغول هستم.

رویدادهای مهم پناهندگی هفته

این منطقه "امن" نیست! این منطقه جزو ناامن ترین مناطق دنیاست. تصمیم دولت و پارلمان هلند آشکارا ضد انسانی و نژاد پرستانه است.

انعکاس مطبوعاتی تحسن همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در آلمان

خبر این تحسن که از یک هفته قبل در روزنامه ها منعکس شده بود، وسیعاً در سطح منطقه رورگیت و سراسر آلمان پخش شده است. روزنامه های مختلفی اخبار و مطالبات این تحسن را چاپ کرده اند. «ایران برخلاف حرفی که دادگاهها میزنند، کشور امنی نیست»، «در ایران ما را شکنجه و تهدید میکنند»، «نمیخواهم به جهنم جمهوری اسلامی برگردم» و یا «مردم آلمان مخالف دیپورت هستند این دولت آلمان استکه غیرانسانی برخورد میکند» اینها تیرهای روزنامه ها در چند روز گذشته بوده است. فدراسیون سراسری پناهندگان در ادامه این تحسن دو هفته ای، تظاهرات بزرگی را روز جمعه ۱۵ ژوئن در مقابل دادگاه گرزن کیرشن از ساعت ۱۲ ظهر سازمان داده است. از همه پناهجویان و معترضین به سیاستهای ضد پناهندگی دولت آلمان دعوت میکنیم در این میتینگ شرکت کنند.

نگذاریم ۹ هزار پناهنده کرد عراقی را از هلند دیپورت کنند

پارلمان هلند ماه گذشته تصمیم گرفته است که ۹ هزار پناهنده کرد عراقی را از کشور اخراج نماید. سخنگوی پارلمانی هلند اعلام داشت که دو سال است که مردم در کردستان عراق زندگی امنی داشته و دیگر دلیلی برای اقامت آنان در هلند وجود ندارد! پارلمان هلند موافقت کرد که کلیه کردهای عراقی حتی کسانی که قبلاً جواب پناهندگی دریافت نموده اند در گروههای کوچک بزرگ از کشور اخراج شوند. پارلمان هلند زمانی این حکم را صادر میکند که ارتش ترکیه ۱۰ هزار سرباز و نیروی مسلح سرکوبگر خود را به این منطقه گسیل داشته است، احزاب ناسیونالیست حاکم بر منطقه، کردستان را به فلاکت غیر قابل تحملی تبدیل نموده اند و منطقه به جولانگاه نیروهای مسلح فاشیست جمهوری اسلامی و ارتش ترکیه برای سرکوب نیروهای اپوزیسیونشان تبدیل شده است. این حکم زمانی صادر میشود که زن کشی و زن آزاری در این منطقه بیداد میکند. بیبکاری، کمبود مواد غذایی و امکانات پزشکی و هزاران هزار معضل بزرگ دیگر، زندگی برای میلیونها نفر ساکن آن منطقه را به یک کابوس شبانه روزی تبدیل نموده است.

پیامدهای انتخاب خاتمی و پناهندگان!

و پشتیبانی از خاتمی این بار هم همانند چهار سال گذشته دستور بی حقوقی پناهنده را دستور خواهند گذاشت، آنچه مسلم است این که بیش از هر زمان مبارزه ما علیه سیاستهای آشکارا غیر انسانی این دول برای اخراج پناهنده، علیه امن اعلام کردن ایران به مبارزه مستقیم علیه حکومت اسلامی از یکسو و به مقابله فعال علیه سیاستهای راست و ضد انسانی این دولتها بر علیه پناهندگان گره خورده است. مبارزه علیه اخراج و علیه حکومت اسلامی پا به پای هم شدت بیشتری خواهد گرفت! همبستگی سهم خود را در این زمینه ایفا خواهد کرد.

رفت دارند بر سر ارقام بازی باهم چانه میزنند که اصل و اساس غیر قابل قبول حتی برای قوانین مرسوم همین کشورهای غربی در انتخابات بود. نمیشود خاتمی را به عنوان نتیجه رای و اعمال اراده مردم به دنیا فروخت و به کسانیکه درگیر مبارزه علیه این جانباختن هستند حق پناهندگی و زندگی داد. نتیجه بلافصل این سیاست پردازی در زندگی پناهجویان اعمال مستقیم تر و علنی تر اخراج و سیاستهایی است که بدون آویزان شدن به این مرتجع هم به غایت راست و ضد انسانی مقامات کشورهای اروپایی و اتحادیه اروپا در پی سیاست دفاع

نشد بلکه بویژه و تا آنجایی که به پناهندگان برمیگردد، فرار شدت گرفت، اخراج و رفتار غیر انسانی نشان دفاع از حکومت "پرزیدنت خاتمی" و اصلاحاتش قلمداد شد و در خارج مرزهای ایران هم مثل داخل زندگی مردم وثیقه نجات این حکومت بوسیله این کارت سوخته شد.

همه این کمپانیهای دروغ پراکنی و ریاکاری که نام مطبوعات بر خود گذاشته اند در بازی ارقام آرای صندوقهای رژیم به یکباره یادشان رفت که این نمایش اصلاً انتخابات نبود، که زن حق کاندیدا شدن نداشت، که شرط پذیرش قبول نظام بود، که شرایط برگزاری اعمال خفقان و زندان بود. یادشان

فدراسیون پناهندگان ایرانی را بیشتر بشناسید!

چگونه میتوان به عضویت فدراسیون درآمد؟

احترام گذاشته از راسیسم و نژادپرستی بیزارند و میخواهند به این وسیله دخالتی در سرنوشت خودشان داشته باشند. عضویت در فدراسیون یعنی دست گذاشتن در دست کسانی که خود برای بهبود وضع زندگی و حقوق خود تلاش و مبارزه میکنند، و نه فقط فردی بلکه به این نتیجه رسیده اند که یک دست صدا ندارد و دستهایمان را باید در دست هم بگذاریم و حاصل این اتحاد تشکیلاتی است که تاکنون هزاران نفر را از خطر دیپورت نجات داده است، حقوق انسانی را از تعرض سیاستهای غیر انسانی در خیلی جاها مصون نگه داشته است، مردم را با عقاید آزادیخواهانه و مترقی آشنا کرده از حقوق کودکان و زنان دفاع کرده و علیه جمهوری اسلامی دوشادوش مردم در خارج کشور به مقابله برخاسته است. به عضویت همبستگی درآید صفوف ما را فشرده تر کنید.

و کانادا میباشد. عضویت در این تشکیلات هم علنی و رسمی و با دادن کارت عکس دار و اسم و رسم متقاضی صورت میگیرد. وجود دو دهه تلاش و مبارزه فدراسیون را از اعتبار بالایی برخوردار کرده است، همچنین عضویت در فدراسیون و تلاش مشترک با ما به نوعی ضمانت برای عدم دست درازی به حقوق انسانی پناهنده توسط دولتهایی که ما رادر جریان مقابله با خودشان برای این حقوق دیده اند تبدیل شده است. عضویت در فدراسیون امر هرپناهنده ایی است که جانش از دست بی حقوقی به لب رسیده و اشتیاق و امید به تغییر این زندگی غیر انسانی را با اتکا به نیروی خودش و همه ما دارد. امر کسانی است که حق اقامت را حق مسلم هر انسانی میدانند، از دخالت مذهب در زندگی انسان و در حکومت بیزار و به این خاطر از ایران فرار کرده اند، رژیم را عامل فرار میلیونی مردم میدانند، به آزادی به حق زندگی آزادانه هر فردی هر کجای این کره ارض علیرغم ملیت و مذهب و ...

عضویت در همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان امری داوطلبانه و آزادانه است ما در همین شماره فرم عضویت در فدراسیون را چاپ میکنیم هرکسی با پرکردن این فرم و دادن دو قطعه عکس میتواند ظرف چند روز به عضویت فدراسیون درآید.

هر پناهنده ایی با داشتن هرگونه عقاید سیاسی و یامذهبی میتواند به عضویت فدراسیون درآمده و در صفوف ما برای بهبود وضعیت زندگی پناهجویان، علیه اخراج، برای گرفتن حقوق انسانی مبارزه کند. اصل بر این است که فدراسیون یک سازمان به شدت رادیکال و انسانی است و برای کسب حقوق انسانی پناهجویان مبارزه میکند. عضویت در فدراسیون همچنین هیچ پناهنده ایی را مجبور به انجام کار و فعالیتی نمیکند، هر کس آزاد است به هر نحو و هر شکلی که موثر و مفید میدانند به سایر پناهجویان کمک و یا در کمپین های اعتراضی ما شرکت و دخالت کند.

فدراسیون یک سازمان سراسری و بین المللی علنی و ثبت شده در غالب کشورهای اروپایی، امریکا

فرم عضویت

نام و نام خانوادگی به (فارسی):
نام و نام خانوادگی به (لاتین):
تاریخ تولد به لاتین:
شهر و کشور اقامت:
آدرس پستی:
شماره تلفن:
شماره فاکس:
آدرس ای میل:

هر عضو موظف است که حق عضویت سالانه ای معادل ۲۵ دلار بپردازد. کسانی که بخاطر درآمد کم و یا شرایط زندگی و اقامت پناهندگی قادر به پرداخت حق عضویت نیستند، میتوانند از پرداخت حق عضویت مستثنی باشند.

امضا تاریخ

لطفا این فرم را به واحد کشوری خود پست کنید. اگر واحد کشوری ندارید، لطفا آن را به دبیرخانه فدراسیون بفرستید.



خاطرات یک دستگیر شده و زندانی در هجوم ۳۰ خرداد سال ۶۰!



جمال زمانی

شد و بهترین و عزیز ترین جوانان انقلابی و شریف مردم به خون افتادند، تکانهای پیکرهای عزیزشان با شلیک گلوله های تیر خلاص به پایان رسیدمات و مبهوت هنوز هم ازخودم میپرسم این من آیا جمال بود که شاهد چنین صحنه ایی از کشتار دسته جمعی انقلابیون و فرزندان مردم در روز روشن و در پیش چشمانش بود؟

من بودم و پس از آن فقط صحنه های این جنایت هولناک، بیمار شدم و تا مدتها قدرت تشخیص هیچ چیز و هیچ کس را نداشتم، گوشه‌ایم همان لحظات اول لاطانات جانی را که به سمت ما آمده بود نمیشدید و چشمهایم کسی را نمیدید.

من پس از این جریان به زندان قزل حصار منتقل شدم.

امروز بیست سال از این جریان میگذرد، من حامل و شاهد زنده بربریت و جنایت اسلامی در این مملکت بوده و هستم، این وحشی گری تنها پاسخی که دارد، سرنوشتی این رژیم است، این جنایت در کنار فاشیسم هیتلری در کنار جنایتهای هولناک در ویتنام و در تاریخ بشر باید ثبت و عاملین آن محاکمه شوند. بیست سال پس از ۳۰ خرداد ۶۰ ما و جنبش ما از تلاش برای عملی کردن آرزو و آرمان آن نسل جوان از پای نالیستاده است.

دوباره با یک کاسه آب و تکه ای دستمال برگشت. طبیعتا انتظار کتک مفصلی داشتم اما تا نیمه شب خبری نشد. حسین هم در طی روز در حالت نیمه بیهوش گاه گذاری با لبخند به من روحیه میداد.

باز شدن درب در نیمه شب یکبارہ ضربان قلبم را تند کرد. صدا کردن اسمم از طرف پاسدار و دادن چشم بند ازسوی آنها به من دلهره ام را در چندان کرد. پاهایم مجبور به رفتن بود اما برآستی آنها را پشت سرم میکشیدم، باد کرده و رنج آور بود. در یک صف قرار گرفتم و به سوی مقصدی نا معلوم شروع به حرکت کردیم. سکوت مرگبار صف زندانیان نعره های خشونت آمیز پاسداران تصویر به یاد ماندنی آن شب بود. سرانجام به مقصد رسیدیم

در این هنگام یکی از جانبیان اسلامی شروع به قرائت حکم دادستانی انقلاب مرکز در مورد محارب بودن و مرتد بودن و . . . زندانیان کرد، یکی یکی از صف اسامی را بیرون کشیدند، ردیف کردند، گلنگدنها به صدا درآمد، تعدادی التماس میکردند و قسمشان میدادند، تعدادی مرگ و این ناجیان مرگ را به مسخره گرفته بودند، سرود میخواندند و بعضی ها مات و مبهوت فقط نگاه میکردند و دسته ایی میگریستند و عده ایی مادرانشان را صدا میکردند. رگبار گلوله ها در هوا پیچید، خون پاشیده

زندانیان، صدای فریادهایی که هیچوقت در زندگیم نشنیده بودم، صدای دلخراش ناله، صدای درد، صدای زخم، صدای خشم و نفرت، صدای قصابی کردن مردم با آیات قرآن!

باهر صدایی با صدای هر کابلی پاهایم را بی اختیار جمع میکردم، بودن در این راهروها و انتظار خودش بخشی از شکنجه بود، اینجا یاد میگرفتی که چه سرنوشتی در انتظار تو خواهد بود.

نوبت از سر گذراندن این سرنوشت به من هم رسید، دوباره به زیر کابل و شلاق و رکیک ترین فحشها گرفته شدم، اطلاعاتی نداشتم، ایستادم و بالاخره بعد از چند روز ولم کردند، مرا به بند ۳۲۵ انتقال دادند.

چند روزی از حضورم در بند میگذاشت، که ناگهان درب سلول باز شد و جسد نیمه جان یک جوان مجاهد را با خشونت به درون انداختند. جای کابلهای در سرتاسر بدن و صورت و سر پاهای او پروشتی قابل رویت بود چندی نگذشت که غیر ارادی شروع به ادرارخون کرد. در بند ۳۲۵ اجازه در زدن نداشتم و فقط با نوار مقوایی که از لای پنجره می شد بیرون گذاشت، می توانستم پاسدار ها را خبر کنیم. با توجه به وضع حسین شروع به در زدن کردم چندی بعد نگرهبانی سراسیمه خود را به سلول ما رساند و شروع به ناسزا گفتن و تهدید من کرد ،مدتی بعد

که بیش از بیست سال است، حتی باوجود این قساوت سازمان یافته نتوانست من و جنبشی که من به آن تعلق دارم را خاموش کند، برای همبستگی هفتگی خاطرات خود را مینویسم، امیدوارم قدم کوچکی باشد در ثبت حقیقت و راهی که ما پیموده ایم.

من در سال پنجاه و نه توسط یکی از دوستانم با گروه اتحاد مبارزان کمونیست آشنا شدم. با این جریان دست به فعالیت سیاسی زدم و در همه جا به تبلیغ سیاستهای اتحاد مبارزان کمونیست میپرداختم، من هم مثل همه فعالین سیاسی آن موقع با یورش وحشیانه رژیم شناسایی و در سال شصت سر قرار دستگیر شدم. در حالیکه دستبند به دستهایم زده بودند، در مسیر بردن به اوین مرا با شدت زیادی زیر کتک گرفتند و به من بی حرمتی، توهین و فحاشی کردند. مرا پس از اینکه به زندان بردند، در حالیکه دستبند به دست داشتم، مدت حدود بیست و پنج روز بصورت شبانه روزی در راهروهای اوین در انتظار پایان مراحل بازجویی نگاه داشتند. کسانی که آن سالها در راهروهای اوین روز را به شب رسانده اند با خواندن این جملات بخوبی درک می کنند که هنگامی زندانی را در راهروها منتظر بازجویی نگاه میداشتند چه معنایی داشت. صدای شلاقها و ضربات کابل بریدن

چند روزی به ۳۰ خرداد مانده است، هیچ روزی در تقویم روزهای سال مو بریدن راست نمیکند که اسم ۳۰ خرداد!

۳۰ خرداد فقط یک روز نیست، آغاز یک حمله وحشیانه به نسلی است که برپایی یک انقلاب، یک تحول یک دگرگونی به اسم او ثبت شده است. ۳۰ خرداد سال ۶۰ یادآور حمله به این نسل، انتقام از این نسل، برپایی حمام خون، سرکوب یک جنبش عادلانه و برحق است، من یکی از قربانیان و یکی از بازماندگان این سرکوبم، در من هنوز خاطرات اوین، خشونت، قساوت و تنفر از آن زندگی میکند، زندگی من، زندانی بودنم، رنجهایی که کشیدم، به همراه کسانی که به جوخه های اعدام سپرده شدند بله زندگی من سند محکومیت این حکومتی است

آدرسها و تلفن های تماس با دفاتر مرکزی در کشورهای مختلف و سازمانهای عضو فدراسیون

ZERBAIJAN
Baku Clandestine Office
Khosro Mohebbi
PO Box 246
Baku 370,000 Centre
Tel: +99 450 3246259

BELGIUM
Brussels Office
Hossein Pesh Ehsan
P. B. 1032
Bruxelles 1000
Belgium
Tel: +478 904 163
Hossein@freegates.be

CANADA
National Toronto Office
Siamak Amjadi
1152 Pape Avenue
P.O. Box 60087
Toronto, ONT. M4K 3Z3
Fax: +1 416-927-1249
siamak_amjadi@yahoo.com

DANMARK
Mahmoud Gasvini
Postboks 1234
2300 Kobenhavn S
nahid@mail.danbbs.dk

ENGLAND
London Office
Saeed Ghaderian
BM Box 1919

London WCIN 3XX
Tel: 07931866985

GERMANY
National Office
Nassrin Ramzanali
IFIR, Postfach 1947
25409 Pinneberg
Hamburg
Nyosefi27@aol.com
Mobil: +49 179 1003 423

HOLLAND
Farzad Nazari
ifir.holland@hotmail.com
Weena Straat 745
3013 AL Rotterdam
Tel: 010-2330560, Ext. 64
Fax: 010-43303002
Maandag en Vrijdag

IRAQ
Soleimaniyeh Clandestine Office
Hagir Saeedi

FINLAND
National Vassa Office
Amir Tavakoli
VPN Postrestante
65320 Vaasa
Tel: +358 405821776
Fax: +358 631 542 53
tavakoli@hotmail.com

NORWAY

National Oslo Office
Mohammad Mohammadi
P. Boks 28 Vinderen
0319 Oslo
Tel: +47 997 23127

PAKISTAN
Islamabad Clandestine Office
Farhad Keyvan
Contact: IFIR Secretariat

SWEDEN
National Göteborg Office
Esmail Moloodi
IFRS, Box 11103
404 23 Göteborg
Mobile: +46 70 492 0349
Tel: 704920349
ifrs@hotmail.com

Hours: Sun.,Tue.,Thu. 18:00 -20:00

SWITZERLA
National Bern Office
Fareidun Gholam Weisi
Postfach 90
3098 Schliern B. Koniz
Tel: +41 763736743

TURKEY
Nigde: Mahin Mahdavi

UNITED STATE
Dallas Office
Kaveh Hassani
PO Box 836293
Richardson, TX 75083
Tel: 214-232-1453

سازمانهای عضو فدراسیون

C.H.A.I.R.
New york - USA
Sogand saadat
GPO, P.O.Box 7051
New york, ny 10116
Tel: 1-212 747 1046
Fax: 1-212 425 7260
chaimgo@aol.com

Victoria's Iranian-Canadian Center
Abbas Mohammad VICC-ICA#200
930 Balmoral Road
Victoria, BC V8T1A8
Canada
Tel: 250 388 4728
Fax: 250 386 4395
Vicc22@hotmail.com

تلفن: 00 447730107337

فکس: 00 448701294167

آدرس: ifir@ukonline.co.uk

PO.Box 27236 - London - N11

2ZF - England شماره حساب بانکی

Account No: 0770 6556 9765

Account Holder: CHAIR

Bank: Chase Manhattan Bank New York NY USA

عباس محمدی

مهرنوش موسوی

رامین نیکان

نسرین رمضانعلی

دبیرخانه مرکزی

دبیر فدراسیون: مریم نمازی

معاون دبیر: فرشاد حسینی

جواد اصلانی

سیامک امجدی

امیر توکلی

جمال کمانگر

به فدراسیون سراسری پناهندگان بپیوندید